

*A tow Quarterly specialized-  
scholarly journal  
Hadith Studies  
Vol.3, No.6, , Fall & winter 2018*

دو فصل نامه علمی-تخصصی  
مطالعات حدیث پژوهی  
س ۳ ش ۶ پاییز و زمستان ۱۳۹۷

## تحلیل و بررسی روایات نفی کننده‌ی رابطه دین و سیاست

عابدعلی مقدم \*

### چکیده

مضمون برخی از روایات حاکی از دعوت به قیام قبل از ظهور می باشد و برخی دیگر شیعیان را از شرکت در هر قیام و مبارزه‌ای قبل از تحقق نشانه‌های ظهور، منع می‌کند و از سویی منکران تلاش برای تشکیل حکومت، به روایات تقیّه نیز استدلال کرده‌اند. آنان، از احادیث تقیّه، چنین برداشت کرده‌اند که تا فرا رسیدن ظهور حضرت حجت، زمان ما، زمان تقیّه است. در مقاله به تحلیل و بررسی مفاد این گونه از روایات پرداخته ایم که روشن می‌شود که هیچ یک از این روایات نمی‌تواند مشروعیت قیام و حکومت در عصر غیبت را زیر سؤال ببرد، بلکه این گونه روایات، قیام‌هایی را ممنوع و محکوم به بطلان می‌داند، که دارای شرایط لازم نیست و یا به خاطر اغراض فاسد و امیال و هواها و هوس‌ها انجام می‌شوند.

**واژگان کلیدی:** ، دین ، سیاست، قیام ، عصر غیبت ، مهدویت

## مقدمه

در روایات فراوانی از ائمه علیهم‌السلام، به پرهیز از قیام قبل از ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام توصیه شده است. از جمله روایاتی که برای مشروع نبودن تشکیل حکومت در عصر غیبت، مورد استفاده واقع شده، روایاتی است که به ظاهر قیام مسلحانه را پیش از ظهور مهدی علیه‌السلام منع می‌کند و تأکید دارد که این گونه قیام‌ها به ثمر نمی‌رسد.

روایات یاد شده را شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه و محدث نوری در مستدرک الوسائل گرد آورده‌اند. برای پاسخ به شبهه فوق، به دسته‌بندی روایات یاد شده می‌پردازیم و از هر کدام نمونه‌ای نقل و سپس آنها را نقد می‌کنیم.

## گروه اول: نفی مطلق

گروهی از روایات، به صورت مطلق و عام، هر نوع قیام و برافراشتن پرچمی را قبل از ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام، محکوم می‌کند.

در حدیث صحیح، ابوبصیر از امام صادق، علیه‌السلام، نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:  
"عنه (محمد بن یحیی) عن أحمد بن محمد بن الحسين بن سعيد عن حماد بن عيسى عن الحسين بن المختار عن أبي بصير عن أبي عبد الله (ع) قال: كلُّ رايةٍ تُرفعُ قبلَ قيامِ القائمِ فصاحبها طاعوتٌ بعيدٌ من دُونِ الله عزَّ وجلَّ"<sup>۱</sup>

«هر پرچمی که قبل از قیام قائم برافراشته شود، صاحب آن، طاغوت است که غیر خدا را پرستش می‌کند.»<sup>۲</sup>

نظیر این حدیث را نیز مالک ابن اعین از امام باقر علیه‌السلام روایت کرده است. آن حضرت فرمودند:  
"و أخبرنا عبد الواحد بن عبد الله قال حدثنا أحمد بن محمد بن رباح الزهري قال حدثنا محمد بن العباس بن عيسى الحسيني عن الحسن بن علي بن أبي حمزة عن أبيه عن مالك بن أعين الجهني عن أبي جعفر الباقر ع أنه قال: كلُّ رايةٍ تُرفعُ قبلَ رايةِ القائمِ ع صاحبها طاعوتٌ."<sup>۳</sup>

«هر پرچمی که قبل از پرچم حضرت قائم، علیه‌السلام، برافراشته شود، صاحب آن، طاغوت است.»<sup>۳</sup>

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۹۵، ح ۴۵۲؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۲، ح ۶.

۲. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳.

۳. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷، حدیث ۶.

۳. حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۴۸.

در نظر معتقدان به تعطیل و نفی مشروعیت حکومت در عصر غیبت، این دو حدیث و مانند آن، از جهت سندی، قابل مناقشه و اشکال نیست. بنابراین، به عنوان دلیلی محکم برای اثبات حرمت قیام قبل از ظهور، مورد توجه قرار گرفته است.

به اعتقاد آنان، این گونه روایات، با عباراتی صریح، می‌گویند هر قیام کننده‌ای قبل از ظهور معصوم، طاغوت است و به فرموده‌ی قرآن "فاجتنبوا الطاغوت" باید از او دوری کرد.

### نقد و بررسی

بعضی از روایات دارای این مضمون، همانند روایت مالک بن اعین، از جهت سندی، به دلیل وجود حسن بن علی بن حمزه، مخدوش است و استفاده از آن‌ها درست نیست،<sup>۱</sup> ولی از آن جایی که برخی از احادیث این گروه، همانند روایت ابی بصیر، از نظر سندی صحیح است، بنابراین جایی برای مناقشه‌ی سندی در این روایات نیست.

### نقد دلالی

ا. دعوت به خویشتن که غیر شرعی و محکوم به بطلان است.

ب. دعوت برای درهم شکستن باطل و به دست گرفتن اداره‌ی کشور و واگذاری آن به کسانی که در حقیقت، حق حکومت از آنان است.

در این روایات، پرچم‌هایی که به خاطر دعوت به خویشتن بر افراشته شود، محکوم به بطلان و غیر قابل اطاعت است. این‌ها، قیام‌هایی است که در مقابل حضرت قائم علیه السلام واقع شده است و رهبر چنین قیام‌هایی طاغوت است، ولی پرچم‌هایی که در مسیر و جهت اهداف او باشند، مورد انکار قرار نگرفته‌اند.

شاهد این گفتار، آن است که به کسی طاغوت می‌گویند که در مقابل خداوند متعال مورد پرستش قرار گیرد. بنابراین، اگر شخصی دعوت به خویشتن کند و از مردم بخواهد که او را اطاعت کنند، طاغوت است و اگر دعوت به حق و مسیر الهی کند، طاغوت نخواهد بود.<sup>۲</sup>

نقد دیگر بر این شبهه، برگرفته شده از روایات است که در مقابل چنین مضمونی که همه‌ی قیامها تا زمان ظهور باطل است، از سوی امامان معصوم علیهم السلام قیام‌هایی مانند قیام زید، مورد تمجید و تعریف قرار گرفته است.

<sup>۱</sup> محمدتقی تستری، قاموس الرجال، ج ۷، ص ۲۶۹ و ۲۷۷.

<sup>۲</sup> سید محمدحسین حسینی طهرانی، ولایت فقیه در حکومت اسلامی، ص ۷۵ - ۷۶.

قیام زید از آن جایی که دعوت به حق بود، در روایت عیص بن قاسم مورد تقدیس و تأیید امام قرار گرفته است. این تأیید و تقدیس، نشانه‌ی این است که این روایات، مطلق قیام‌ها را نفی نمی‌کند، بلکه هماهنگی و جمع عرفی بین آن‌ها ما را به این نکته رهنمون می‌شود که این روایات، با وجود واژه‌ی طاغوت در صدد نفی قیام‌هایی است که رهبران آن‌ها، دعوت به خویشتن می‌کنند، و شامل قیام‌هایی که به سوی حق و حقیقت فرا می‌خوانند، نمی‌شود.<sup>۱</sup>

از دیگر قیام‌هایی که مورد تأیید ائمه علیهم‌السلام قرار گرفته است، می‌توان از "قیام یمانی" نام برد، که ضمن تأیید وی از سوی امام علیه‌السلام چنین تعلیل آورده می‌شود که "یمانی" مردم را به حق و راه راست دعوت می‌کند، بنابراین باید یاریش کرد.<sup>۲</sup>

نکته شایان توجه در گفتار امام باقر علیه‌السلام این است که می‌فرمایند: "پرچم یمانی" پرچم هدایت است. این عبارت، تفسیری است برای روایاتی که به صورت مطلق، برافراشته شدن هر پرچمی را قبل از ظهور، باطل معرفی می‌کرد.

علاوه بر آن چه گذشت، روایات بسیاری، بر فعالیت برخی از قیام‌های قبل از ظهور حضرت حجت علیه‌السلام دلالت می‌کند.<sup>۳</sup> در سنن ابن ماجه آمده است که پیامبر،<sup>۶</sup> فرمودند: "مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام، فراهم می‌سازند.<sup>۴</sup> نیز روایاتی درباره‌ی اهل قم و قیام آنان رسیده است.<sup>۵</sup>

حضرت امام، رضی‌الله‌تعالی‌عنه به عنوان پیاده کننده‌ی اندیشه‌ی حکومت اسلامی در عمل و علم، در جواب این روایات چنین می‌فرماید:

«عَلَمٌ قِیَامِیٌّ کَهِ دَر رَوَایَاتِ، بَاطِلٌ اِعْلَامٌ شَدَّهٔ اسْتِ، عَلَمٌ قِیَامٌ بَهٔ نَامِ حَضْرَتِ مَهْدِیِّ اسْتِ، نَهٔ هَر قِیَامِیٌّ... (بلکه) قِیَامٌ زَیْدٌ وَ اِمْتَالِ اَنْ، دَر رَوَایَاتِ، کَامَلًا تَأْیِیْدٌ شَدَّهٔ اسْتِ».<sup>۶</sup>

با صرف نظر از نکته‌های بیان شده، و به فرض پذیرش آن‌ها، باز هم مدّعی آنان ثابت نمی‌شود؛ زیرا، اطلاق روایاتِ وجوب جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، با اطلاق مورد بحث، تعارض می‌کند و دلیلی بر تقدّم اطلاق روایات نافی قیام بر آن روایات جهاد نیست.<sup>۱</sup>

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۵، باب ۱۳، حدیث ۱.

۲. محمد بن حسن طوسی الغیبه، حدیث ۱۳، ص ۱۷۱.

۳. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳؛ محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۱۸۲؛ محمد بن

ابراهیم نعمانی، کتاب غیبت نعمانی، حدیث ۵۰.

۴. محمد بن یزید ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶، حدیث ۴۰۸۲.

۵. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۷، ص ۲۱۶، باب ۳۶، حدیث ۴۰.

۶. روح الله خمینی رضی‌الله‌تعالی‌عنه، صحیفه‌ی امام، ج ۲۱، ص ۱۴.

## گروه دوم: خبر دادن از شکست قیامها

روایات بسیاری آمده است که مفاد آنها خبر از شکست همه‌ی قیام‌هایی می‌دهد که قبل از ظهور حضرت صاحب‌الزین العابدین<sup>علیه السلام</sup> به وقوع می‌پیوندند. پیش از تبیین و تحلیل برداشت‌هایی که از آنها صورت گرفته است، متن برخی از آنها را متذکر می‌شویم:

حماد بن عیسی، به صورت مرفوع (حذف راوی حدیث) از علی بن الحسین (امام سجاد<sup>علیه السلام</sup>) روایت کرده است که آن حضرت فرمودند:

«وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعِ رَفَعَهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَاللَّهِ لَا يَخْرُجُ أَحَدٌ مِنَّا قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ إِلَّا كَانَ مِثْلَهُ كَمِثْلِ فَرخٍ طَارَ مِنْ وَكْرِهِ قَبْلَ أَنْ يَسْتَوِيَ جَنَاحَاهُ فَأَخَذَهُ الصَّبِيَّانُ فَعَبَثُوا بِهِ»<sup>۲</sup>

«به خدا سوگند! هیچ یک از ما (اهل بیت) قبل از قیام قائم، خروج نمی‌کند، مگر این که مثل او مانند جوجه‌ای است که قبل از محکم شدن بال‌هایش، از آشیانه پرواز کرده باشد، در نتیجه، کودکان او را گرفته و با او به بازی می‌پردازند.»

با کمی تفاوت، از موکل بن هارون، در مقدمه‌ی صحیفه سجادیه، از امام صادق<sup>علیه السلام</sup> نقل شده است که حضرت فرمودند:

«هیچ یک از ما اهل بیت، تا روز قیام قائم، برای جلوگیری از ستمی و پیا داشتن حقی، قیام نمی‌کند، مگر این که بلا و آفتی به او می‌رسد و قیام او بر اندوه ما و شیعیان ما می‌افزاید.»<sup>۳</sup>

نیز در حدیث ابی جارود از امام باقر<sup>علیه السلام</sup>، با عبارتی متفاوت و کنایه‌ای، همین مضمون گوشزد می‌شود:

«هیچ یک از ما اهل بیت نیست که ناروایی را دفع و مردم را به سوی حق بخواند، مگر این که مصیبت‌ها و بلاها، او را به زانو در می‌آورد، تا این که گروهی که در جنگ بدر شاهد بودند، قیام

<sup>۱</sup> . محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، باب ۶ و ۱۳.

<sup>۲</sup> . همان، ج ۱۱، ص ۳۶، باب ۱۳، حدیث ۲.

<sup>۳</sup> مقدمه صحیفه سجادیه؛ محمد بن حسین رضی، ترجمه و شرح نهج البلاغه علی نقی فیض‌الاسلام اصفهانی، ص ۲۲، ثم قال أبو عبد الله<sup>علیه السلام</sup>: ما خرج منا أهل البيت إلى قیام قائمنا أحد ليدفع ظلماً أو ينش حقاً إلا اصطلمته البلية، و كان قیامه زيادةً في مكروهننا و شیعتنا.

کنند، گروهی که کشته‌هایشان، دفن، و مجروحانشان، مداوا نمی‌شوند. پرسیدم: منظور از این گروه چه کسانی هستند؟ فرمود: «فرشتگان»<sup>۱</sup>

گفته شده است، با توجه به این که این روایات، هر نوع تلاش و قیام را محکوم به شکست معرفی می‌کنند. بنابراین، انجام دادن چنین عملی، لغو و بیهوده است و در نتیجه، هیچ گونه اقدام عملی، منطقی و مشروع نخواهد بود، بلکه بر اندوه امامان و شیعیان ایشان می‌افزاید.

### نقد و بررسی

در میان این روایات، حدیث صحیح و بدون اشکال سندی، یافت نمی‌شود. روایت حماد بن عیسی، مرفوعه است و زنجیره‌ی سند آن قطع شده است، مگر این که حماد بن عیسی را از اصحاب اجماع بدانیم و از آن جایی که سند ایشان، صحیح است، مرسل‌های وی را مسند تلقی کنیم.<sup>۲</sup>

در حدیث دیگری که ابی‌جارود آن را نقل کرده است، می‌توان این گونه خدشه کرد که وی، زیدی مذهب بوده است و دلیلی بر عدول وی به سوی مذهب حق وجود ندارد.<sup>۳</sup>

### نقد دلالی

در دلالت این احادیث نیز اشکالاتی شده است. برخی گفته‌اند، آن چه از این روایات استفاده می‌شود، این است که امام علیه‌السلام، در صدد بیان جواز یا عدم جواز قیام نیست، بلکه یک خبر غیبی را بیان می‌کند که اگر کسی از ما اهل بیت، قبل از قیام قائم علیه‌السلام، قیام کند، پیروز نمی‌شود، اگرچه ممکن است آثار مهمی بر آن مترتب گردد؛ زیرا، اگر منظور حضرت، تخطئه‌ی هر گونه قیام قبل از خروج حضرت مهدی علیه‌السلام باشد، قیام پدرش امام حسین علیه‌السلام، نیز مورد تخطئه قرار خواهد گرفت.

در رویکردی دیگر، با بررسی تاریخی، می‌یابیم که برخی از شیعیان، در پاره‌ای از مقاطع، خواهان قیام امام معصوم علیه‌السلام، بوده‌اند. از سوی دیگر، با برداشت از نویدهای پیروزی شیعیان بر خودکامگان، برخی از آنان، اقدام به قیام‌هایی بدون پشتوانه و متأثر از احساسات، می‌کردند.

۱. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۴۸، حدیث ۶.

۲. سید ابوالقاسم خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۳۲۱ و ۳۲۶.

۳. همان، ج ۷، ص ۳۲۱ و ۳۲۶.

بنابراین، این گونه روایات برای ایجاد میانه‌روی و تعدیل روحیه‌ی آنان، بیان شده است؛ چه این که ممکن است واژه‌ی «منا» در گفتار امام، نشانه‌ی این باشد که اگر در این شرایط، امامان دست به قیام بزنند، پیروز نخواهند شد.

شاهد این برداشت، روایتی از امام صادق علیه السلام است. حضرت، در پاسخ فردی که می‌پرسد: "چرا قیام نمی‌کنید؟ می‌فرماید: اگر به تعداد این هفده راس گوسفند، یاور می‌داشتم، قیام می‌کردم" در این بیان، امام علیه السلام علت امتناع خود را از قیام، نداشتن یاوران حقیقی و لازم برای چنین امری معرفی می‌کند که معنایش، این است که اگر امام علیه السلام، یاورانی برای قیام می‌داشتند و شرایط آن مهیا بود، این عمل را انجام می‌دادند.

علاوه بر این، اطمینان به عدم موفقیت و پیروزی در مبارزه، شبهه‌ای نیست که منحصر به زمان غیبت باشد، بلکه اگر در زمان حضور نیز چنین امری مطرح باشد و تحقق خارجی آن مشکوک باشد، حکم آن با زمان غیبت، مشترک است. خلاصه این که ما، مأمور به وظیفه هستیم و در صورت احراز لغویت و بیهوده بودن قیام، حکم آن، همانند امر به معروف و نهی از منکر است.<sup>۲</sup>

### گروه سوم: روایات انتظار

گروه سوم، به روایاتی استناد می‌شود که به انتظار فرج و ملازمت خانه و منتظر و مترصد وقوع علائم ظهور، امر می‌کند، و شیعیان را از شرکت در هر قیام و مبارزه‌ای قبل از تحقق نشانه‌های ظهور، منع می‌کند. امام صادق علیه السلام به سدید می‌فرماید:

«ای سدید! در خانه‌ات بنشین و مراقب زندگی‌ات باش و مادامی که شب و روز آرام است، آرام گیر. پس هنگامی که به تو خبر رسید که سفیانی خروج کرده است، حرکت کن و اگر شده با پای پیاده به سوی ما بیا.»<sup>۳</sup>

در روایت جابر از امام باقر علیه السلام، حضرت، کسانی را که در زمان غیبت بر ولایت امامان ثابت قدم باشند، مدح می‌کند و وظیفه‌ی مؤمنان را در عصر غیبت، «حِفْظُ اللِّسَانِ وَ لُزُومُ الْبَيْتِ» معرفی می‌کند. در نقل ابی بصیر از امام صادق علیه السلام، وظیفه‌ی مؤمنان در زمان غیبت، چنین معرفی می‌شود:

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۴۲، حدیث ۴.  
 ۲. کاظم حسینی حائری، ولایه الامر فی عصر الغیبه، ص ۶۲ - ۶۳.  
 ۳. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۶، ب ۱۳، حدیث ۳.

«فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَالْزَمُوا أَحْلَاسَ بِيُوتِكُمْ حَتَّى يَظْهَرَ الطَّاهِرُ بْنُ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرُ ذُو الْغَيْبَةِ الشَّرِيدُ الطَّرِيدُ»<sup>۱</sup>

در حدیث حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام، حضرت فرمان می‌دهد:

«اسْكُنُوا مَا سَكَنَتِ السَّمَاءُ مِنَ النَّدَاءِ وَ الْأَرْضُ مِنَ الْخَسْفِ بِالْجَيْشِ، فَإِذَا كَانَ الْأَمْرُ هَكَذَا، وَ لَمْ يَكُنْ خُرُوجٌ مَا سَكَنَتِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ، فَمَا مِنْ قَائِمٍ وَ لَا مِنْ خُرُوجٍ»<sup>۲</sup>

«تا آسمان و زمین آرام است، آرام گیرید و تا زمانی که زمین از درهم کشیدن لشکریان، و آسمان از ندای آسمانی آرام است، شما نیز کاری انجام ندهید و قیامی نکنید.»

به این روایات، چنین استدلال می‌شود که در این احادیث، راه و روشی برای همه‌ی شیعیان ترسیم و ارائه شده است که تا قبل از ظهور علائم قیام حضرت مهدی، باید سکوت کنند و از قیام و مبارزه خودداری ورزند.

### نقد سندی

در سند روایت سدیر، فردی با نام «عثمان بن عیسی» وجود دارد. وی را در کتاب‌های رجال، چنین معرفی می‌کنند.

وی، از بزرگان واقفه بوده است که پس از شهادت موسی بن جعفر علیه السلام در امامت ایشان متوقف شد و امامت علی بن موسی الرضا علیه السلام را نپذیرفت و اموالی را که به عنوان وکیل در اختیار داشت، به امام رضا علیه السلام نپرداخت.<sup>۳</sup>

آقای خوبی در کتاب «معجم رجال الحدیث» پس از بحث و نقل دیدگاه‌هایی درباره‌ی وی، چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

هیچ شکی نیست که عثمان بن عیسی، فردی منحرف از حق و معارض با حضرت رضا علیه السلام، بوده است و به امامت آن حضرت اعتراف نکرده و اموال امام را نپرداخته است. توبه و برگرداندن اموال از سوی وی نیز ثابت نشده است.<sup>۴</sup>

اگرچه برخی از احادیث، او را توثیق کرده‌اند، ولی این وجوه ذکر شده در زندگی وی، می‌تواند سبب تزلزل احادیثش گردد.

<sup>۱</sup> . محمد بن حسن شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۰۳.

<sup>۲</sup> . محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ص ۴۰، حدیث ۱۴.

<sup>۳</sup> . سید ابوالقاسم خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۱۱۷؛ محمدبن علی اردبیلی، جامع الرواه، ج ۱، ص ۵۳۴.

<sup>۴</sup> . همان، ص ۱۲۰.



روایت «حسین بن خالد» نیز دارای مناقشات سندی بسیاری است؛ چه این که «حسین بن خالد»، مشترک میان دو فرد است که یکی ثقه و دیگری غیر ثقه است.<sup>۱</sup> و اگر منظور از «حسین بن خالد»، «ابوالعلاء» یا «صیرفی» باشد، هیچ کدام از آن دو توثیق نشده‌اند.<sup>۲</sup> نیز در این حدیث «احمد بن علی»، شناخته شده نیست.<sup>۳</sup>

با توجه به نکاتی که تا کنون در سند این احادیث بیان شد، راه استدلال به این روایات برای تصمیم‌گیری در امر مهمی مانند وظیفه‌ی مؤمنان در عصر غیبت، بسته شده است. با صرف نظر از جهات سندی به نقد دلالت این دسته از احادیث می‌پردازیم.

### نقد دلالی

برای به دست آوردن چنین اندیشه‌ای از این گروه روایات، باید الغای خصوصیت از مخاطب شود؛ یعنی، بدانیم که فرد مورد خطاب روایت، خصوصیت نداشته است و دخالتی در صدور روایت نداشته است، ولی چنین علمی در این مورد نداریم،<sup>۴</sup> بلکه شواهدی وجود دارد که امام علیه السلام این روایت را به سبب وجود مخاطبی همچون سدید فرموده‌اند. ما، تنها به گوشه‌ای از این شواهد اشاره می‌کنیم:

وقتی نام سدید و چگونگی شخصیت وی نزد امام صادق علیه السلام مطرح شد، حضرت فرمودند: «سدیر، پیچیده شده به هر رنگی است» گویا منظور امام علیه السلام این است که سدید، از نظر فکر و دقت، فردی احساسی است و بر یک روش محکم، استوار و پا برجا نیست.<sup>۵</sup> بنابراین، ممکن است حضرت برای جلوگیری از اقدامات احساسی سدید، این عبارت را به وی فرموده باشند. برای پی بردن به شخصیت فردی سدید، روایت دیگری را که بیش‌تر حدود ادراک وی را نشان می‌دهد، یادآور می‌شویم. در این نقل، سدید می‌گوید:

«خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و به حضرت عرض کردم: «به خدا سوگند! نشستن برای شما سزاوار نیست». حضرت فرمود: چرا ای سدید؟ عرض کردم: «به سبب اطرافیان و پیروان و یاورانی که دارید. به خدا سوگند! اگر امیرالمؤمنین علیه السلام به اندازه‌ی شما یاور داشت، دو قبیله‌ی تیم و عدی به خلافت وی طمع نمی‌ورزیدند». حضرت فرمودند: «تعداد آنان چه قدر است؟».

<sup>۱</sup> . همان، ج ۵، ص ۲۲۹.

<sup>۲</sup> . ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۲۸۵.

<sup>۳</sup> . همان.

<sup>۴</sup> . سید کاظم حسینی حائری، المرجعیه والقیاده، ص ۱۱۷ - ۱۱۸.

<sup>۵</sup> . عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق و استدراک: محیی الدین مامقانی، ج ۲، ص ۸.

گفتم: «صد هزار». حضرت فرمودند: «صد هزار؟!». گفتم: «بلی و بلکه دویست هزار». حضرت فرمودند: «دویست هزار نفر؟!». گفتم: «بلی و بلکه نصف دنیا».

حضرت سکوت فرمودند تا این که همراه امام علیه السلام، به مکانی نزدیک مدینه رفتیم. در آن جا پسر بچه‌ای چند بزغاله را می‌چرانید. حضرت نگاهی کردند و فرمودند:

«... لَوْ كَانَ لِي شَيْعَةٌ بَعْدَ هَذِهِ الْجِدَاءِ مَا وَسَعَنِي الْقُعُودُ...»

اگر من، به اندازه‌ی این بزغاله‌ها، شیعه داشتم، سکوت و نشستن برایم جایز نبود.

سدیر می‌گوید: «از مرگب پیاده شدیم و نماز خواندیم. پس از نماز، بزغاله‌ها را شمردم. تعداد آن‌ها هفده راس بود.»<sup>۱</sup>

با بیان این حدیث طولانی، تصویر نسبتاً کاملی از وضعیت و شرایط زمان و فهم و ادراک سدیر، ارائه شد.

برداشت قابل اطمینان‌تری از روایت معلی بن خنیس، استفاده می‌شود. او می‌گوید:

«نامه‌ی سدیر و عده‌ای را خدمت امام صادق علیه السلام بردم. در آن نامه، نوشته شده بود که ما پیش‌بینی می‌کنیم که خلافت به شما منتقل شود. نظر شما چیست؟. حضرت فرمودند: وه! وه! من، امام اینان نیستم. آیا نمی‌دانند که سفیانی باید کشته شود؟»<sup>۲</sup>

در این گفتار، امام می‌فرماید: «من، امام اینان نیستم» و با واژه‌ی «سیاه جامگان» واقعیت ابومسلم و پیروان وی را معرفی می‌کنند؛ زیرا، ابومسلم، با این ادعا که می‌خواهد حکومت را به جایگاه خویش بازگرداند، قیام کرد، ولی هدف واقعی او چنین نبود، بلکه این، حربه و شگردی برای کمک گرفتن از شیعیان در مقابل دشمنانش بود. ممکن است منظور امام، این باشد که من، امامی که شرایط قیام و پیروزی و در اختیار گرفتن منصب حکومت، برای‌اش مهیا باشد، نیستم.

در نتیجه، پس از بیان این شواهد از زندگی و شخصیت سدیر و کسانی که خواهان قیام، امامان بودند.<sup>۳</sup> نمی‌توانیم از خطابی که به سدیر ایراد شده و او را ملزم می‌کند در خانه بنشیند، خصوصیت مورد را القا کنیم و بگوییم، وظیفه‌ی همه، حتی در عصر غیبت، سکوت و نشستن در خانه است. بنابراین، این حدیث، در زمان خاص، نسبت به فردی خاص و آن هم نسبت به

<sup>۱</sup> . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۴۲، حدیث ۴.

<sup>۲</sup> . محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷، باب ۱۳، حدیث ۸.

<sup>۳</sup> . برای آگاهی بیش‌تر از شواهد زندگی سدیر به دراسات فی ولایه الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۹ - ۲۳۹ مراجعه شود.

قیام‌های خاصی که بی‌اثر است، بیان شده است، بلکه ممکن است در این حدیث و مانند آن، عنوان مهدویت نهفته باشد. بنابراین، به این دلیل، امام، آن را مذموم می‌شمارد.<sup>۱</sup> افزون بر آن چه گذشت، این احادیث، در بستر خاصی از زمان صادر شده است؛ زیرا، از سویی پیروان امامان، همواره، در انتظار قیام و نهضت مهدی موعود و قائم آل محمد بودند؛ چه این که روایات فراوانی از پیامبر<sup>6</sup>، و امامان معصوم<sup>علیهم‌السلام</sup>، شنیده بودند و از سوی دیگر، در همین زمان و چنین اوضاعی، برخی از سادات علوی، از موقعیت استفاده کردند و به عنوان «مهدی موعود» و به هدف سرنگون کردن حکومت‌های طاغوت، دست به قیام‌زدن، اما پس از چندی با شکست مواجه شدند.

احادیث مذکور، در چنین اوضاع و شرایطی صادر گشته است. امام می‌خواهند بفرمایند: شخصی که اکنون قیام کرده است، مهدی موعود مذکور در روایات نیست. بنابراین، احادیث می‌خواهد به گونه‌ای جلوی سوء استفاده برخی از سادات علوی را بگیرد. در نتیجه، این احادیث، هرگز در صدد جلوگیری از انجام دادن وظایفی مانند؛ جهاد، دفاع از اسلام و مسلمانان، امر به معروف و نهی از منکر، و... نیست.<sup>۲</sup>

### گروه چهارم : جلوگیری از عجله در قیام

در کتب روایی، به روایاتی فراوان بر می‌خوریم که داشتن نیت جهاد را کافی می‌دانند و به شیعیان امر می‌کنند که باید منتظر امام زمان<sup>علیه‌السلام</sup> باشند و نباید جلوتر از امام خویش حرکت کنند و دست به مبارزه بزنند. مؤمن باید خود را در بند اراده و خواست خدا قرار دهد و در صدد شکستن قدرتی که هنوز عمرش پایان نیافته، بر نیاید.

ابی مرهف از امام باقر<sup>علیه‌السلام</sup> نقل می‌کند که حضرت فرمودند:

«الْغَبْرَةُ عَلَى مَنْ أَثَارَهَا هَلَكَ الْمَحَاصِيرُ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَا الْمَحَاصِيرُ قَالَ الْمُسْتَعْجِلُونَ...»<sup>۳</sup>  
 «گردو غبار، به زیان کسی است که آن را بر می‌انگیزد؛ اسب‌های چموش و مغرور، هلاک می‌شوند». «عرض کردم: فدایت شوم! اسب‌های چموش و مغرور چه کسانی هستند؟». فرمودند: «کسانی که عجله می‌کنند».

<sup>۱</sup> . حبیب الله طاهری، تحقیق پیرامون ولایت فقیه، ص ۲۵۶

<sup>۲</sup> . آیت... ابراهیم امینی، برگرفته از تحلیل کتاب دادگستر جهان، ص ۲۸۷.

<sup>۳</sup> . همان، ص ۳۷، حدیث ۵. به همین مضمون است احادیث ص ۳۶، ۳۸، ۳۹، ۴۱.



فضل بن سلیمان کاتب نیز می‌گوید: «امام صادق علیه السلام، فرمودند: «ای فضل! خداوند عزوجل برای عجله بندگان، کارها را جلو نخواهد انداخت. همانا از جا کندن کوه، آسان‌تر از کنار زدن پادشاهی است که هنوز مدّت آن به پایان نرسیده است...». عرض کردم: «فدایت شوم! پس نشانه‌ی بین ما و شما (برای قیام) چیست؟» فرمودند: «پیوسته، همین گونه خواهد بود تا سفیانی خروج کند. بنابراین، هنگامی که سفیانی خروج کرد، به سوی ما حرکت کنید».

امام علیه السلام این سخن را سه مرتبه تکرار فرمودند و این، از نشانه‌های حتمی خواهد بود. از دیدگاه اندیشه‌ی نفی قیام، پیشوایان دین، در این روایات، این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهند که عجله کردن و قیام قبل از موعد، مورد رضایت خداوند و امامان نیست و راه به جایی نمی‌برد. بنابراین، تا نمایان شدن نشانه‌های ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام، همه، مامور به صبر هستند. در نتیجه، قیام و مبارزه برای تشکیل حکومت و به دست گرفتن تدبیر امور سیاسی دولت، مشروع نخواهد بود.

### نقد و بررسی

در بررسی سندی حدیث ابی مرهف و فضل بن سلیمان، به این نتیجه می‌رسیم که این دو، مجهول الحال هستند. بنابراین، این احادیث نمی‌توانند معتبر و قابل اطمینان باشند.<sup>۱</sup>

با صرف نظر از سند، دلالتی نیز بر مدّعی اندیشه‌ی نفی مشروعیت حکومت ندارد؛ زیرا در **بیش‌تر** این گونه احادیث، **ویژه** در حدیث نخست، عجله کردن قبل از موعد و قیام در مواردی که شرایط زمان مهیا نیست، مورد نهی قرار گرفته است، ولی اگر زمینه‌های قیام و تشکیل حکومت فراهم باشد، آیا باز هم مبارزه و قیام، همان حکم را دارد؟ این احادیث، در این مورد ساکت است و در صدد بیان چنین حکمی نیست و ممکن است این احادیث در مقام تقیّه صادر شده باشند.

علاوه بر این که خطاب امام به ابی مرهف، ممکن است در مقام دلداری وی که به خاطر تعقیب **شدن‌اش** از سوی **مأموران** در حالت ترس بوده است، باشد؛ یعنی، امام به او می‌فرماید: "آنان، کسانی را دستگیر می‌کنند که در صدد قیام باشند و چون تو اهل قیام نیستی، بنابراین ترسی به دل راه مده."<sup>۲</sup>

۱. حسینعلی منتظری، دراسات فی ولایه‌الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۳، ۲۲۵؛ حبیب الله طاهری، تحقیق پیرامون ولایت فقیه، ص ۲۷۵.

۲. همان.

## گروه پنجم : جلوگیری از همراهی قیام کنندگان

در این گروه، بخش دیگری از روایات مطرح می‌شود که وظیفه‌ی شیعیان را در برخورد با قیام کنندگان در زمان غیبت امام عصر علیه السلام، مشخص و معین می‌کند و آنان را از همراهی با قیام کنندگان قبل از ظهور نشانه‌های قیام قائم، نهی می‌کند. به عنوان نمونه، روایتی را به نقل عمر بن حنظله، متذکر می‌شویم. امام صادق علیه السلام، می‌فرماید:

«پنج نشانه قبل از قیام حضرت قائم علیه السلام، وجود دارد: صیحه (ندای آسمانی)؛ سفیانی (خروج سفیانی)؛ فرو رفتن در زمین (فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین در مکانی به نام بیدا)؛ کشته شدن نفس زکیه (شخصی به نام نفس زکیه، یا انسانی با تقوا که دارای نفس زکیه است)؛ یمانی (خروج یمانی). عرض کردم: فدایت شوم! اگر یکی از اهل بیت شما، قبل از ظهور این نشانه‌ها خروج کند، آیا وی را همراهی کنیم؟. حضرت فرمودند: نه»<sup>۱</sup>

در احادیث دیگری مانند این، قیام و تلاش برای کنار زدن حاکمان ستمگر، متوقف به فرا رسیدن زمان آن شده است. زمان آن هم نه به تعیین وقت، بلکه به بیان نشانه‌های ظهور، واگذار شده است.

این تعلیق، چه به سبب شکست کوشش‌های قبل از موعد و یا به دلیل این که باعث ضرر به زندگی شیعیان و قیام کنندگان می‌شود، باشد، نتیجه‌اش این است که قیام در زمان غیبت حضرت حجت، علیه‌السلام، مشروعیت ندارد.

## نقد و بررسی

آن چه در نقد این حدیث و همانند آن باید گفت، این است که با دقت در مضمون آن‌ها، می‌باییم امام، علیه السلام، همراهی با خروج و قیام یکی از سادات را نهی فرموده است، و این نهی، نشانه‌ی این مطلب است که این‌گونه احادیث، در مقام بیان نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام و قیام او است. امام می‌فرماید، هر گاه یکی از سادات، قبل از ظهور این علامت‌ها، قیام کند، مهدی موعود نیست. بنابراین، این حدیث نمی‌گوید، اگر مسلمانان بتوانند ظالم و طاغوت را در هم بشکنند، باز هم اقدام نکنند؛ زیرا، با اطلاق ادله‌ی جهاد، چنین کاری لازم خواهد بود. این‌گونه احادیث، قیامی را که به هدف انجام دادن امر به معروف و نهی از منکر و دفاع از کیان اسلام نباشد، نکوهش می‌کند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> . محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۷، حدیث ۷.

<sup>۲</sup> . حبیب الله طاهری، تحقیق پیرامون ولایت فقیه، ص ۲۶۶؛ سید کاظم حسینی حائری، المرجعیه والقیاده، ص ۱۱۹.

از دریچه‌ای دیگر، این روایت، قاعده و قانون عمومی همه‌ی قیام‌ها را بیان نمی‌کند، بلکه قیام و همراهی با منسوبان به رسول خدا مثل حسین (صاحب فخ) و محمد بن عبدالله و مانند آن دو را بیان می‌کند. قاعده، این است که اگر اینان خروج کردند، شما همراهی نکنید. این فرمان، حتی شامل ذریه‌ی پیامبر در سال‌های بسیار طولانی بعد از صدور این روایت نمی‌شود.<sup>۱</sup> بنابراین، این روایات، همانند دسته‌ی قبل، با توجه به زمان ویژه‌ی قیام برخی به عنوان «مهدی» صادر گشته است.

### گروه ششم: روایات تقیه

منکران تلاش برای تشکیل حکومت، به روایات تقیه نیز استدلال کرده‌اند. آنان، از این احادیث، چنین برداشت کرده‌اند که تا فرا رسیدن ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه، زمان ما، زمان تقیه است؛ چه این که طیف وسیعی از روایات، به مدح تقیه می‌پردازد.<sup>۲</sup> و نیز کسی را که تقیه را رعایت نکند، بی‌ایمان و تقیه را روش امامان معصوم علیهم السلام معرفی می‌کند،<sup>۳</sup> و به گونه‌ای دلالت آمیزتر این روایات، مؤمن را همیشه مجاهدی می‌دانند که در دولت حق، با شمشیر مجاهدت می‌کند و در دولت باطل، با تقیه کردن،<sup>۴</sup> و برخی دیگر تقیه را امری لازم و ضروری و رعایت آن را تا قیام حضرت حجت عجل الله فرجه واجب می‌دانند.<sup>۵</sup>

### نقد و بررسی

قبل از بررسی و نقد این دسته از روایات، توجه به این نکته ضروری است که تقیه به "زمانی" و "موردی" تقسیم می‌شود. در تقیه‌ی زمانی، عصر و زمان، زمان تقیه است و در طول چنین مدتی، تقیه، لازم و ضروری است. نتیجه‌ی پذیرش آن، تعطیل حکومت در عصر غیبت است، ولی اگر دلیل کافی برای اثبات این گونه تقیه‌ای نباشد، به قدر یقینی آن، یعنی تقیه‌ی موردی بسنده می‌کنیم.<sup>۶</sup>

نخست باید گفت، بسیاری از عالمان شیعی، تقیه را تنها در فروع جائز می‌دانند همان گونه که در بعضی از موارد، تقیه واجب است، در برخی موارد دیگر، تقیه حرام است. حضرت امام ثالث، در

۱. همان، ص ۱۱۹.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۶۲، حدیث ۱۴.

۳. همان، ص ۴۶۰، حدیث ۳؛ التقیه فی الفكر الاسلامی، ص ۷۵ - ۸۰.

۴. همان، ص ۴۶۴، حدیث ۱۹.

۵. همان، ص ۴۶۶، حدیث ۲۵.

۶. محمد بن علی ابن بابویه قمی شیخ صدوق، الاعتقادات، ص ۱۰۸.

این باره می‌فرمایند: «وگاهی تقیه حرام است. آن وقتی که انسان دید که دین خدا در خطر است، نمی‌تواند تقیه کند. آن وقت هر چه پیش آید، باید برود. تقیه، در فروع است و در اصول نیست؛ زیرا، تقیه برای حفظ دین است. جایی که دین در خطر است، جای تقیه نیست و جایی برای سکوت نیست.»<sup>۱</sup>

با توجه به عمل و گفتار امامان معصوم علیهم‌السلام و مفهوم تقیه، باید گفت، تقیه، به طور مطلق، مورد امضای معصومان علیهم‌السلام نیست. بلکه وابسته به شرایط و موارد مختلف، حکمی متفاوت دارد و در مواردی که حفظ اصل و اصول اسلام، وابسته به قیام و شکستن حصار تقیه است، بلکه در مواردی که امکان پیروزی و زمینه‌های برقراری عدالت وجود دارد، جایی برای تقیه باقی نخواهد ماند. تبلور چنین برداشتی در قیام‌های صدر اسلام تا کنون نیز یافت می‌شود.

### نقد کلی روایات نافی مشروعیت قیام و حکومت

آیات<sup>۲</sup> و روایات مستقل<sup>۳</sup>، آیات و روایات امر به معروف و نهی از منکر<sup>۴</sup> و قیام حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام سخنان آن حضرت درباره‌ی قیام و جنگ در مقابل ستمگران<sup>۵</sup> و قیام و انقلاب زید بن علی که مورد تاءیید امامان بوده است،<sup>۶</sup> و تلاش و جهاد حسین بن علی فخر که او نیز تمجید معصومان بوده است، و عباراتی از امامان علیهم‌السلام، مبنی بر این که «اگر ما یاورانی استوار داشتیم، قیام می‌کردیم»، و اطلاق ادله‌ی مجازات کسی که در مقابل اسلام می‌ایستد و اطلاق روایات ضرورت مبارزه با اهل گناه و نکوهش حاکمان ستمگر و پیروی از آنان<sup>۷</sup>، و ادله‌ی جهاد، همه و همه، دلائلی هستند در مقابل اطلاق که ممکن است از روایات نافی قیام در عصر غیبت استفاده شود. بنابراین، این ادله، با وسعتی مثال زدنی، این نکته را تأکید می‌کنند که نه تقیه‌ی زمانی است و نه تلاش و قیام به طور مطلق مذموم، بلکه سرزنش و نکوهش قیام یا به دلیل تقیه‌ی امامان معصوم علیهم‌السلام بوده است و یا به دلیل خصوصیت مورد بوده است. بنابراین، به دست آوردن قاعده‌ی کلی از آن‌ها برای همه‌ی زمان‌ها، صحیح نخواهد بود.

<sup>۱</sup> روح الله خمینی، صحیفه‌ی نور، ج ۸، ص ۱۱، و ج ۲۰، ص ۳۳۸.

<sup>۲</sup> بقره/۲۵۱؛ حج/۴۰ - ۴۱؛ حدید/۲۵؛ نساء/۶۰؛ شعراء/۱۵۱ - ۱۵۲؛ نساء/۲۴.

<sup>۳</sup> محمد بن علی ابن بابویه، الخصال، ج ۱، ص ۲۰۶؛ محمد بن حسین؛ رضی نهج البلاغه، خطبه‌ی قاصعه، (۱۹۲)؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸.

<sup>۴</sup> محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه ج ۱۱، باب ۳، باب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر.

<sup>۵</sup> ابوجعفر محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۰۱.

<sup>۶</sup> محمد بن علی ابن بابویه، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام ج ۱، ص ۲۵۲، حدیث ۶.

<sup>۷</sup> محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۲۸، باب ۴۲، حدیث ۲.

## نتیجه

در مجموع، پس از بررسی روایات، با مفاد ششگانه‌شان، روشن می‌شود که هیچ یک از این روایات نمی‌تواند مشروعیت قیام و حکومت در عصر غیبت را زیر سؤال ببرد، بلکه این گونه روایات، قیام‌هایی را ممنوع و محکوم به بطلان می‌داند، که دارای شرایط لازم نیست و یا به خاطر اغراض فاسد و امیال و هواها و هوس‌ها انجام می‌شوند. در نتیجه، اگر قیامی با شرایط بیان شده در شرع، زیر نظر امام عادل (فقیه) انجام پذیرد و اهداف و اغراض آن نیز بر اساس شریعت شکل گرفته باشد، زمینه ساز قیام حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود و نه این که نهی نخواهد داشت، بلکه در برخی از موارد، تلاش برای برپایی آن، واجب خواهد بود.



## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، نشر: جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه قم، سال ۱۳۶۲.
۳. \_\_\_\_\_، عيون أخبار الرضا عليه السلام - تهران، چاپ: اول، سال ۱۳۷۸ ق.
۴. ابن شعبه حرانى، حسن بن على، تحف العقول؛ ناشر: جامعه مدرسين، قرن ۴ سال ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳
۵. امينى، ابراهيم ، دادگستر جهان، ناشر: قم شفق، سال ۱۳۷۸، ص ۲۸۵.
۶. تسترى، محمد تقى، قاموس الرجال، ناشر: جماعه المدرسين فى الحوزه العلميه بقم، سال ۱۴۱۰ ق.
۷. حائرى يزدى، مهدي، حكمت و حكومت، ناشر: انتشارات شادى، محل نشر، لندن ، سال ، ۱۹۹۵ م.= ۱۳۷۴.
۸. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشيعه، مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴ هـ.
۹. حسینی حائری، سید کاظم، المرجعیه والقیاده، ناشر: قم دارالتفسیر، سال ۱۳۱۷.
۱۰. \_\_\_\_\_، ولایه الامر فى عصر الغیبه، ناشر: قم: مجمع الفكر الاسلامی، سال ۱۴۱۴ ق. = ۱۳۷۲.
۱۱. حمیدرضا آیت اللهی، چالش های بنیادین ما در دین ، علم و سیاست، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی ۱۳۸۳ .
۱۲. خمینی رَحْمَتُهُ، روح الله، صحیفه امام، ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رَحْمَتُهُ تهران، موسسه چاپ و نشر عروج سال ، ۱۳۸۷.
۱۳. \_\_\_\_\_، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، ناشر، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رَحْمَتُهُ موسسه چاپ و نشر عروج تهران، سال ۱۳۸۶.
۱۴. \_\_\_\_\_، صحیفه نور، ناشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رَحْمَتُهُ تهران ، ۱۳۸۰.
۱۵. خوئی، سید ابوالقاسم ، معجم رجال الحدیث، نشر :دفتر آیه الله العظمی الخوئی، قم، سال 1409 ق. = ۱۹۸۹ م. = ۱۳۶۸.

۱۶. شریف الرضی، محمد بن حسین نهج البلاغه للصبحی صالح ، چاپ قم سال ۱۴۱۴ ق ۳.
۱۷. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه قمی، الاعتقادات، نسخه خطی، تاریخ کتابت: قرن ۱۱ق.
۱۸. شیخ الطایفه طوسی، محمد بن حسن، امالی، ناشر: دار الثقافه سال 1385.
۱۹. \_\_\_\_\_ ، محمد بن حسن ، کتاب الغیبه، ناشر: مسجد مقدس جمکران قم، سال ۱۳۸۷.
۲۰. طاهری، حبیب الله، تحقیق پیرامون ولایت فقیه، نشر: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، سال ۱۳۶۸.
۲۱. طبری، محمد جریر، تاریخ طبری، قم، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، سال ۱۳۸۷.
۲۲. طهرانی، سید محمدحسین حسینی، ولایت فقیه در حکومت اسلامی ناشر: علامه طباطبایی مشهد مقدس، سال ۱۴۲۱-
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۴. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، تحقیق و استدراک: محیی الدین مامقانی، ناشر: قم مؤسسه آل البيت، چاپ اول، سال ۱۴۲۳.
۲۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. منتظری، حسینعلی، ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، ناشر: دار الفکر، سال 1411 ق. = ۱۳۷۰.
۲۷. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قرن ۱۴، ۱۳۲۰ق.
۲۸. نعمانی محمد بن ابراهیم کتاب غیبت نعمانی، ناشر: پارس بوک ، سال ۳۴۲ هجری قمری.